



۱۰

پایان «باران» بازی صدیق



۱۱

کنگره شعر سردار سلیمانی فراخوان داد

۱۲

ساکنان سرزمین فراموشی

فرهنگ

سه‌شنبه: ۳۰ شهریور ۱۴۰۰؛ شماره ۶۰۳۸



یادداشت

مبارزه زنانه

این‌که زن‌ها در جنگ هشت‌ساله کنار مرد‌ها باشند، اصلاً عجیب نیست؛ این‌که در خانه واز پشت جبهه



آذر مهاجر

ادبیات و هنر

مردان را یاری داده باشند یا حتی در میان معرکه دست به اسلحه برده باشند، کاملاً طبیعی است.

زن‌های بخشی از ساکنان این سرزمین هستند و مردم ایران هرگز با جنگ و نبرد و تهاجم بیگانه نبوده‌اند. اما وقتی از میان زن‌ها تعدادی از آنها، آستین همت و غیرت بالا می‌زنند و شرایطی برای‌شان فراهم می‌شود که بتوانند برای روایت جنگ اثر ادبی یا هنری خلق کنند، با یک پدیده کاملاً طبیعی روبه‌رو نیستیم؛ به‌خصوص اگر بدانیم بیشتر کارگردان‌های زن کشورمان نگاهی به سینمای دفاع مقدس داشته‌اند، اگر بدانیم در میان بهترین فیلم‌های سینمای دفاع مقدس، تعدادی از آثار را زنان نوشته و کارگردانی کرده‌اند.

مگر می‌شود تأثیر «گیلانه» را نادیده گرفت یا تجسم در دراد «شیار ۱۴۳»؟ به یاد بیاوریم که چقدر زیبایی و شاعرانگی در «نفس» حبس شد و زیر آوار بمباران، مدفون ماند یا مگر می‌شود حال و هوای سال‌های جنگ را در «ویلاپی» احساس نکرد. سینمای جنگ در عرصه مستند و کوتاه هم سربازانی دارد مثل انسیه‌شاه حسینی.

شاید زنان کارگردان در سینمای ایران سراغ شلیک بمب و گلوله و ویرانی و عملیات و بالگرد و توپ و تانک نرفته باشند، اما خیلی خوب از پس روایت داستان زندگی آدم‌ها

زیر آوار جنگ برآمده‌اند. زنان کارگردان سهم قابل‌اعتنایی در سینمای جنگ دارند، نمی‌شود حضورشان و جنس سینمای آنها را و نیز نوع روایت‌شان از هشت سال دفاع مقدس را ندیده گرفت.

تک‌تک زنانی که روی صندلی کارگردانی نشست‌ه و تصمیم گرفته‌اند داستانی درباره سال‌های دفاع مقدس بسازند، عطر تازه‌ای به سینمای ایران بخشیده و طعم تازه‌ای برای مخاطبان فیلم و سینما به‌ارمغان آورده‌اند که شاید در جهان مردانه سینما و حتی سینمای جهان نمی‌شد به آنها دست پیدا کرد.

اگر این زنان جنگنده و مبارز نبودند، اگر اهل عافیت و آرامش بودند و اگر احساس دین نمی‌کردند، شاید هرگز نمی‌توانستیم از دریچه‌های تازه‌ای که آنها برای‌مان گشوده‌اند، به روزهای دفاع مقدس نگاه کنیم و معنا و تصویر متفاوتی که آنها از قهرمانی ارائه می‌دهند، هرگز در مجموعه قهرمانی‌هایی که کارگردان‌های مرد سینما برای‌مان به نمایش درآورده‌اند، جایی نداشت.

به امید آن‌که روزها و سال‌های آینده فرصت بیشتری برای حضور حرفه‌ای کارگردانان زن در سینمای ایران فراهم شود و زنان بیشتری تصمیم بگیرند به دفاع مقدس بپردازند و قصه‌ای از آن روزگار روایت کنند.

در سربازهای ساختن فیلم سیاسی



امیرعباس ربیعی (کارگردان و نویسنده) که تجربه ساخت فیلم «لباس شخصی» را دارد، در گفت‌وگویی به این موضوع پرداخته که چرا در سینمای ایران، فیلم سیاسی چندان مورد توجه نیست؟

وی از عوامل مختلفی برای این موضوع نام برده است از جمله وجود حساسیت‌های زیاد در جامعه و نبود احساس امنیت نزد سینماگران برای ارائه دیدگاه و تحلیل خود در مسائل سیاسی.

ربیعی در این گفت‌وگو با ایلنا با اشاره به اینکه ترس فیلمسازان از توقیف اثر و نگرانی از برخورد‌های غیرسینمایی، عواملی هستند که باعث‌شده فیلمسازان کمتر به مسائل سیاسی بپردازند، تأکید کرده است؛ رسانه‌ها و خوداهالی سینما نسبت به آثار سیاسی دیدگاه خوبی ندارند. اگر یک فیلمساز بخواهد یا به این عرصه بگذازد باید خود را در جایگاه پاسخگویی تصور کند که این موضوع بسیار آزاردهنده است.

این‌کارگردان که فیلمش به تهیه‌کنندگی سازمان اوج به موضوع حزب توده و نقش آن در حوادث سال‌های نخست انقلاب پرداخته و ازجمله آثار خوش‌ساخت سینمای سیاسی ایران محسوب می‌شود، حضور نهادهای حاکمیتی در عرصه فیلمسازی را به‌عنوان سفارش‌دهنده یا هدایت‌کننده، اشتباه می‌داند و می‌گوید: اثر هنری باید از درون هنرمند بجوشد. اگر یک هنرمند، اثر هنری خود را مطابق میل گروه اسپانسر بسازد به‌طور قطع فیلم خوبی از کار در نخواهد آمد و در این‌باره حتی اگر هزینه‌های هنگفتی هم برای این‌ساخت فیلم‌های سفارشی در نظر گرفته شود، بازهم تأثیرگذار نخواهد بود.

وی فیلمسازی براساس میل و علاقه سرمایه‌گذار را کاری ناخوشایند ارزیابی کرده و گفته است: اگر میان نگاه فیلمساز و سرمایه‌گذار بخش خصوصی یا دولتی تطابق ایجاد شود، نهاد مذکور اثر او حمایت مالی خواهد کرد. این موضوع به معنای ترویج اندیشه سرمایه‌گذار در فیلم نیست و تمام فیلمسازان برای ساخت اثر خود به حامی مالی نیاز دارند. پس میان ابزار بودن برای انتقال حرف سرمایه‌گذار و حامی داشتن تفاوت وجود دارد و هیچ‌گاه تطابق «۰۰ درصدی میان نگاه فیلمساز و سرمایه‌گذار به‌وجود نخواهد آمد. همین اتفاق درباره فیلم «لباس شخصی» هم افتاد. وقتی تصمیم به ساخت فیلم گرفتیم به دنبال حامی مالی بودیم. برخی از سرمایه‌گذاران از من خواستند آن طرح خود را کنار بگذارم و ایده مدنظر آنها را بسازم. طرح من مورد اقبال مؤسسه اوج قرار گرفت؛ البته برخی نهادها به‌طور کامل با فیلم موافق نبودند و برای شرکت در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شدم. من در این فیلم، بخشی از تاریخ ایران را نمایش دادم و برای ساخت آن با افراد متعددی گفت‌وگو کردم. سرمایه‌گذار خواهان این بود تا فقط بخش‌های موردتأییدش به نمایش درآید که این موضوع سبب نارضایتی‌ها، کدورت‌ها و مشکلات فراوان شد.

در پنجاه و سومین نشست شب شاعر ویژه بزرگداشت حجت‌الاسلام محمد حسین انصاری نژاد عنوان شد

نظر رهبر انقلاب

درباره ویژگی‌های ادبی «پدیده شعر ایران»



درباره حسین مسافرآستانه به انگیزه سالروز تولدش

مردی که فقط روی صحنه نقش بازی می‌کند

درست به یاد ندارم که کدام جشنواره و کدام شهر بود. مراسم اختتامیه داشت برگزار می‌شد و روی سن ایستاده بودیم. آقامسافر هم بین کسانی که جوایز را اهدا می‌کردند ایستاده بود. همان اوایل مراسم اختتامیه از هنرمندان پیشکسوت تقدیر می‌شد. نام یکی از این هنرمندان که سن‌وسالی از او گذشته بود را اعلام کردند. خوشحال بودم. از همان ردیف‌های جلو بلند شد که در میان تشویق حاضران روی سن بیایم. چند پله اول را بالا آمد اما پایش روی پله آخری گیر کرد و تعادلش را از دست داد. هنرمند نازنین داشت می‌افتاد که نفهمیدم از کجا و چطور و با چه سرعتی آقامسافر خودش را به‌اورساند و زیر دست‌هایش را گرفت. آقامسافر روی سن را در چندین جشنواره دیده‌ام. با شور و شوق و جوان‌ها می‌خندید و با دست‌های محکم تشویق می‌کرد. همان‌جا روی سن اشک می‌ریخت، ذوق می‌کرد، بلند بلند می‌خندید، بغل می‌کرد و در آغوش می‌گرفت. آقامسافر روی سن و آن چند دقیقه‌ای که جوایز و لوح‌های تقدیر را اهدا می‌کند، همیشه اجرای بی‌نظیری دارد. همیشه واقعی‌ترین مرد روی سن خود اوست. همان کسی است که آن پایین می‌بینی‌اش. خود خود واقعی‌اش.

مهدی نصیری

کارگردان و منتقد

تئاتر

امسال) به‌عنوان دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر فعالیت داشته و در جشنواره‌های مختلف دیگر نیز عهده‌دار همین مسئولیت بوده است. حسن مسافرآستانه، مدیری است که همه او را با خاطرات خوب و به‌دلیل مهربان و دلسوز بودنش دوست دارند.

آقامسافر البته پیش از مدیریت، یک بازیگر دوست‌داشتنی و در کنار آن یک کارگردان بوده است که یکی از پرمخاطب‌ترین نمایش‌های مذهبی ۳۰ سال گذشته (خورشید کاروان) را کارگردانی کرده و در آثاری چون «تپه افلاک» و «جان‌گزر» بازی کرده است. او سال‌های نخست‌کارش در تئاتر بازیگر بوده و اتفاقاً بخشی از محبوبیتش را هم وامدار بازی‌های خوبش در تئاتر است. حسین مسافرآستانه این روزها پس از چند سال دوری دوباره مانند یک بازیگر روی صحنه تئاتر رفته است.

چند سال پیش درباره حضورش در جان‌گزو بازگشت به صحنه گفته بود: خوشبختانه زمینه‌ای فراهم شده که دوباره در تئاتر حضور پیدا کنم. اگرچه پیش از این نیز در هر سمت و عنوانی که کار می‌کردم، چه در حوزه داوری، چه دبیری جشنواره‌های تئاتری و چه در مدیریت و تولید آثار هنری همواره سعی داشتم‌ام دغدغه‌های خود پیرامون بازیگری و حضور روی صحنه را فراموش نکنم.

مدیریتی که همیشه در جلسه نیست!

حسین مسافرآستانه؛ مدیر یا دبیر یا بازیگر یا کارگردان ... کدام یک از اینها بیشتر به آقامسافر می‌آید؟ در دوران مدیریتش همواره مدیری کم‌حاشیه بوده است که نه زیاد مورد تعریف و تمجید و نه زیاد مورد انتقاد قرار گرفته باشد. مدیری مورد اعتماد است. کم‌حاشیه و البته شیوه مدیریتی‌اش هم ظاهراً چارچوب‌ها و دشواری‌ها و ادیت‌های مدیریتی مرسوم را ندارد. از آن دست هنرمندانی نیست که به‌محض نشستن پشت میز مدیریت ناپیدا شود و خودش را پشت میز جلسه‌های واقعی و غیرواقعی قایم کند. آقامسافر، مدیر هم که باشد به اندازه قبل و بعد از پستی که می‌گیرد در دسترس است. این را بارها و بارها به‌دلیل ارتباط مستقیم کاری که با او داشته‌ام تجربه کرده‌ام. همیشه هست. همیشه پاسخگوست و همیشه با نگاهی مثبت با مسائل برخورد می‌کند و اصلاً هم اهل جلسه‌بازی و وقت‌گذرانی‌های مرسوم مدیریتی نیست.

از میان آقامسافر بازیگر و کارگردان من اولی را بیشتر دوست دارم. بازیگر صحنه است. باتجربه و مسلط و آرام صحنه را مال خود می‌کند و کارش به‌عنوان بازیگر کاملاً در خدمت اجراست. نه خودنمایی می‌کند و نه سعی دارد تا روی صحنه به‌چشم بیاید. بازیگر خوبی است که در مود صحنه حل می‌شود و بیش از آن‌که در پی دیده شدن باشد در خدمت کار اجرا و فعالیت

عکس: هنرآذین